با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام نگارش (۱) دهم
درس هفتم

عنوان فصل: نوشته‌ی ذهنی (۳): ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم

از صفحه‌ی ۱۰۰ تا صفحه‌ی ۱۱۰ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل نوشته‌ی ذهنی (۳): ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم آمده است.

مباحث فصل: ناسازی معنایی، کارگاه نوشتن، هنجار نوشتار ۷، حکایت‌نگاری

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۱۰۶ · کارگاه نوشتن ۱ — استخراج مفاهیم و رسم نمودار ... ۴

۲ صفحه ۱۰۷ · کارگاه نوشتن ۲ — نوشتهٔ ذهنی با روش ناسازی معنایی ... ۵

۳ صفحه ۱۰۸ · کارگاه نوشتن ۳ — ارزشیابی نوشتهٔ دوستان ... ۶

۴ صفحه ۱۱۰ · حکایت‌نگاری — بازنویسی حکایت به زبان ساده ... ۷

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱ صفحه ۱۰۶ کارگاه نوشتن ۱

نوشتهٔ زیر را بخوانید و به روابط بین مفاهیم آن فکر کنید و نموداری برای آن رسم کنید.

«شب، همه‌جا دامن گسترده بود، سکوتی ابهام‌آمیز بر دشت حکم‌فرما بود. بر سقف نیلگون آسمان ستارگانی چند دور از چشم ماه جلوه‌گر بودند. گاه‌گاه شیههٔ چند اسب بی‌شکیب، سکوت دشت را درهم می‌شکست و سوسوی چند مشعل، پردهٔ سیاه شب را می‌درید و پیش می‌رفت. این مشعل‌ها و اسب‌ها از آنِ کاروانیانی بود که از جنب‌وجوششان می‌شد فهمید که تازه در این صحرا پیاده شده‌اند. در برابر بعضی از خیمه‌ها مردانی کنار هم نشسته، با یکدیگر گرم گفت‌وگو بودند. می‌گفتند و می‌شنیدند. می‌خندیدند و شادی می‌کردند. مثل اینکه رشته‌ای ناگسستنی قلب‌های همه را به هم پیوند می‌داد. در درون دیدگانشان صفا و درستی، محبت و برادری و عشق و دوستی موج می‌زد. گویی آنها در این دنیا زندگی نمی‌کردند؛ برای اینکه از کینه و حسد و غرور و خودخواهی نشانی نداشتند. پیرمردان محترمانه گوش به حرف جوانان می‌دادند و جوانان صمیمانه به پیران عشق می‌ورزیدند. گویی در میان این کاروان کوچک و کاروانیان بزرگ، گِرد محبت و عشق پاشیده بودند؛ عشقی که زندگی می‌ساخت و شادی و نشاط می‌آفرید و با حیله و دروغ و حسد و خودخواهی، سرسختانه مبارزه می‌کرد... پیرمردان به یاد روزهایی افتاده بودند که پیامبر روی شن‌های داغ می‌نشست و آنان هم به دورش جمع می‌شدند و همین آیات و کلمات را از زبان او می‌شنیدند. جوانان با نگاهشان دلِ سیاهی را می‌کاویدند تا از اعماق تاریکی‌ها، خاطرات روشن و جانداری را که از پدرانشان داشتند به یاد بیاورند. داستان‌هایی که پدرانشان از پیامبر گفته بودند، از مردی که بیست‌وسه سال رنج برد و کوشید تا نفاق و دورویی، کینه و خودپرستی و جنایت و آدم‌کشی را از میان بردارد و به جای همهٔ اینها نهال یکتاپرستی و حقیقت‌جویی و صفا و وفا بنشاند.

همین یادآوری‌ها بود که وضع را دگرگون کرد، دیگر در چهره‌ها آثار نشاط و شادی دیده نمی‌شد، مثل اینکه دستی بی‌رحمانه، همهٔ گل‌های شادی را از مزرعهٔ لب‌ها چیده و به جای آن، خار غم نشانده بود. نگاه‌ها دیگر از سینهٔ سیاه دشت، کنده شده، به خیمه‌ای که در وسط خیمه‌های دیگر سربرافراشته، خیره شده بود. آیا نیرویی هست که به راه افتد؟ آنجا که خورشید بی‌دریغ به همه‌جا نور می‌پاشد. آنجا که حق حکومت می‌کند ... و آنجا که انسان‌ها آزاد زندگی می‌کنند و راهی بس دشوار در پیش است. کویرهای خشک، دامن گسترده‌اند؛ گرگان گرسنه، دهان باز کرده‌اند و سنگلاخ‌ها به انتظار نشسته‌اند تا پاهای برهنهٔ پیشروان را درهم شکافند و از راهشان بازدارند، اما در برابر عشقی بزرگ و مقدس، تاب مقاومت ندارند ... اگر آرزوی چنان دیاری در دل خانه کرده، باید از این راه پرخطر گذشت و نمی‌توان گذشت مگر اینکه عشق خدا به دل و ...»

(در کتاب، کنار نوشته نمودار خالی با عبارت‌های «آنجا که حق پیروز است» و ... آمده است.)

استخراج مفاهیم و رسم نمودار:

نوشته دو فضا را در برابر هم می‌گذارد: «کاروان عاشقان در دشتِ شب» و «سرزمین آرزو، جایی که حق پیروز است». هستهٔ اصلی نمودار «عشق و ایمان» است و هستهٔ متضاد آن «کینه و دشمنی». از هر هسته چند شاخه و از هر شاخه چند خوشه بیرون می‌آید:

شاخه	«مفاهیم پیوسته به هستهٔ «عشق و ایمان	مفاهیم متضاد (هستهٔ «کینه و دشمنی»)
حال و هوای دل	صفا، درستی، محبت، برادری، دوستی	کینه، حسد، غرور، خودخواهی
حالت چهره‌ها	شادی، نشاط، خنده، گرم گفت‌وگو بودن	غم، خار غم، چهره‌ی گرفته
رفتار آدم‌ها	احترام پیران به جوانان، صمیمیت جوانان با پیران	نفاق، دورویی، حیله، دروغ، آدم‌کشی
زمان و مکان	خورشید، نور، روشنایی، آزادی، دیار حق	شب، سیاهی، تاریکی، کویر خشک، سنگلاخ
راه و مقصد	کاروان، پیشروان، یکتاپرستی، حقیقت‌جویی	گرگان گرسنه، سنگلاخ، راه پرخطر

پیوند هسته‌ها: عشق به خدا سبب می‌شود کاروانیان با کینه و حسد مبارزه کنند و از کویرهای خشک و راه دشوار بگذرند تا به سرزمین حق و آزادی برسند.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۲ صفحه ۱۰۷ **کارگاه نوشتن ۲**

موضوعی را انتخاب کنید و با استفاده از روش ناسازی معنایی (تضاد مفاهیم)، یک متن ذهنی بنویسید.

موضوع: .....

موضوع: امید (مفهوم متضاد: ناامیدی). نقشهٔ ذهنی آن در جدول زیر آمده است:

هسته	شاخه‌ها	خوشه‌ها
امید	روشنایی	سپیده، چراغ، خورشید
امید	رشد	جوانه، باران، باغچه
امید	تلاش	کوشش، درس، صبر
ناامیدی	تاریکی	شب، مه، سایه
ناامیدی	ایستادن	خستگی، سکون، پژمردگی
ناامیدی	ترس	تردید، «نمی‌شود»، تنهایی

متن:

آن شب آن‌قدر بلند بود که فکر کردم صبح هرگز نمی‌رسد. ناامیدی مثل مه‌ی سنگینی روی شهر نشسته بود و همه‌چیز خاکستری بود. خسته بودم و دیگر نمی‌خواستم تلاش کنم. اما در گوشهٔ بالکن، چشمم به گلدان پژمردهٔ مادربزرگ افتاد. خاکش خشک بود، ولی در میان آن، جوانهٔ کوچکی سبز شده بود. تعجب کردم؛ چون هیچ‌کس به او نگفته بود که از دل تاریکی بالا بیاید. فهمیدم امید همیشه بلند حرف نمی‌زند. گاهی در سکوت رشد می‌کند. ناامیدی می‌گوید: «تمام شد.» امید آرام جواب می‌دهد: «هنوز نه.» آن شب من هم تصمیم گرفتم مثل آن جوانه، از دل تاریکی بالا بیایم و منتظر سپیده بمانم.

۳ صفحه ۱۰۸ **کارگاه نوشتن ۳**

به نوشتهٔ دوستانتان، که خوانده می‌شود، با دقت گوش دهید و آن را بر بنیاد سنجه‌های زیر، ارزشیابی کنید. جدول سنجه‌ها (ردیف / سنجه‌های ارزیابی / بارم): ۱) ایجاد شبکه‌ای از روابط بین مفاهیم (۳)؛ ۲) خلق نوشته با استفاده از روش ناسازی معنایی (۳)؛ ۳) استفادهٔ صحیح از نشانه‌های ربط عطفی (۲)؛ ۴) رعایت انسجام در نوشتهٔ ذهنی (۲)؛ ۵) پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی (۲)؛ ۶) استفاده از واژه‌های مناسب فضای متن (۳)؛ ۷) شیوهٔ خواندن (۲)؛ ۸) رعایت املا و نکات نگارشی (۳)؛ جمع‌بندی (۲۰)

نمونه‌ای از ارزشیابی: فرض کنید یکی از دوستان متن «امید و ناامیدی» (کارگاه ۲) را برای کلاس خوانده است. هنگام گوش دادن، برای هر سنجه نمره می‌دهیم و دلیل کوتاهی می‌نویسیم:

ردیف	سنجه	بارم	نمره	دلیل
۱	ایجاد شبکه‌ای از روابط بین مفاهیم	۳	۲٫۵	شاخه‌ها و خوشه‌ها (روشنایی، رشد، تاریکی...) به هسته‌ها وصل شده‌اند.
۲	خلق نوشته با روش ناسازی معنایی	۳	۳	امید و ناامیدی در برابر هم آمده‌اند.
۳	استفادهٔ صحیح از نشانه‌های ربط عطفی	۲	۲	«اما»، «ولی» و «چون» درست به کار رفته‌اند.
۴	رعایت انسجام در نوشتهٔ ذهنی	۲	۱٫۵	یک جا از تصویر گلدان به نتیجه سریع پریده است.
۵	پرهیز از جمله‌های طولانی	۲	۲	جمله‌ها کوتاه و روشن‌اند.
۶	واژه‌های مناسب فضای متن	۳	۲٫۵	واژه‌ها با حال‌وهوای شب و امید هماهنگ‌اند.
۷	شیوهٔ خواندن	۲	۲	صدا رسا و با مکث‌های درست بود.
۸	رعایت املا و نکات نگارشی	۳	۲٫۵	یک اشتباه نگارشی در نشانه‌گذاری دیده شد.
	جمع‌بندی	۲۰	۱۸	

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

در پایان، یک نقطهٔ قوت (تضاد زیبای امید و ناامیدی) و یک پیشنهاد (پیوند روشن‌تر بخش‌ها) به نویسنده می‌گوییم.

۴ صفحه ۱۱۰ **حکایت‌نگاری**

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

چون یونس، علیه السلام، از شکم ماهی نجات یافت؛ متفکر بود و کمتر سخن می‌گفت. یکی از موجب سکوت و سبب خاموشی پرسید. گفت: سخن، مرا در حبس شکم ماهی انداخت تا وجودم در آتشِ وحشت، شمع‌وار بگداخت. خاموشی با سلامت، بِه از گفتن با ملامت.

وقتی حضرت یونس از شکم ماهی نجات پیدا کرد، همیشه در فکر بود و کم حرف می‌زد. یک نفر از او پرسید: «چرا ساکت شده‌اید؟» یونس جواب داد: «حرف زدنِ من باعث شد در شکم ماهی زندانی شوم. من در آن جا از ترس مثل شمع آب شدم و سوختم.» بعد گفت: «ساکت ماندنِ همراه با آرامش، بهتر از حرف زدنی است که ملامت و سرزنش به دنبال دارد.»

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir